

آس بادبای خواف

بقراط نادری
(سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران)



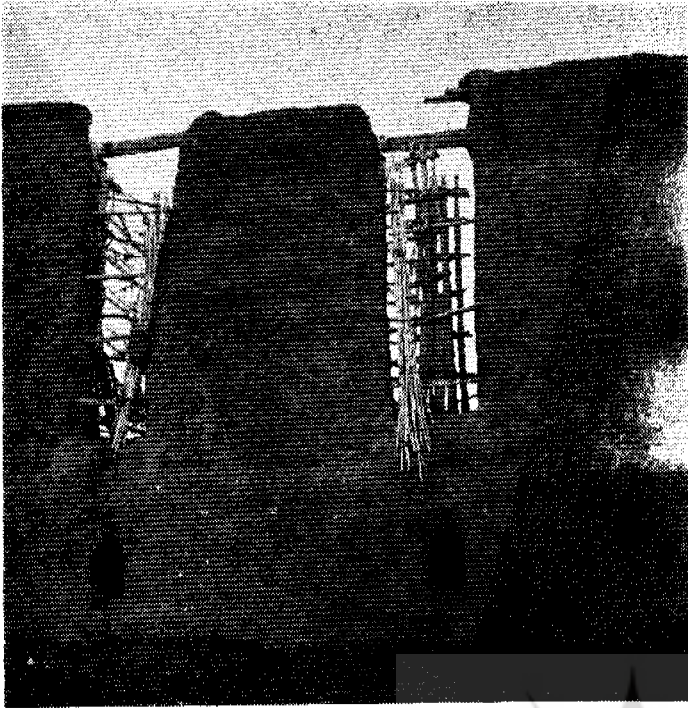
عکسی از نمای کلی داخل آسیا

اختراع فرزند نیاز است و برتری بشر به سایر مخلوقات در این نکته است که میتواند ابزار ساز باشد و احتیاجات خود را بوسیلهٔ ایجاد وسایل مرتفع نماید..... در روزگار گذشته در زمان و مکانی نه چندان دور با شکفتن نیازی که در زندگی روزمره وجودش احساس میشد ثمری بیار آمد که جوابگوی این خواسته روزانه شد و یک بار دیگر بشر در جدال تن به تن با طبیعت پیروز شد و این نیروی لایزال را به نفع خود بکار گمارد.

این نیاز چه بود...؟ و آن کدام بشر بود و در کدامین مکان بود که توانست طبیعت را به بازی بگیرد، رام سازد و از آن بهره برداری کند؟

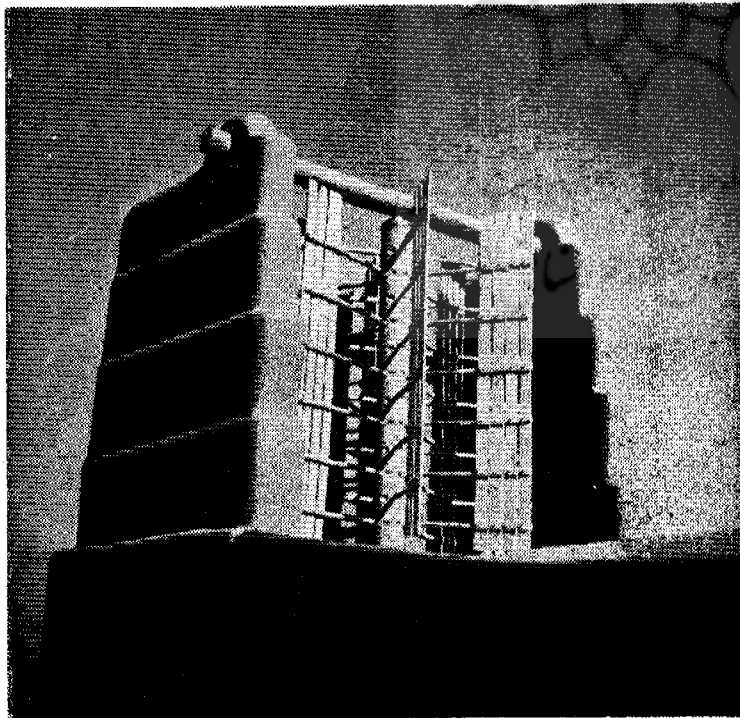
این ابتدائی ترین و مهم ترین نیاز بشر بود... «نان» و برای تهیه آرد، لازم بود تا دانه های طلائی گندم به نرمی خرد شود و برای اینکار مردمان سخت کوش خراسان از باد کمک گرفتند و با ساختن و بکار انداختن آسیاها به منظور خود

دست یافتند. آسیاهای بادی هنوز کاملاً مشخص نیست، زمان ساختمان و استفاده از این نوع ولی آنچه مسلم است، این آسیاها قرنها



عکسی از قسمت پشت آسیاکه وضعیت نیباد ، درباد ، ودریچه ورودی باد را نشان می‌دهد

عکسی از ماکت تهیه شده در دفتر فنی خراسان توسط آقای داریوش اعظم ، مهندس معماری داخلی و همکاری سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران



مورد بهره‌برداری بوده است .
 آسیاهای بادی را در نقاط مختلف ایران نمیتوان دید ، زیرا که چرخش این آسیاها مستلزم وجود بادهای قوی و مداوم و طولانی است و خوشبختانه خواف این شرایط لازم را داراست و سالها و قرن‌ها موقعیت جغرافیایی خود را در خدمت گرفته ، ولی با پیدایش آسیاهای ماشینی که در این منطقه از آن بعنوان آسیای آتشین یاد میکنند ، آسیاهای بادی بدست فراموشی سپرده میشوند و روز بروز از تعداد آنها کمتر و شاید روزی نه آنقدر دور ماشین جایگزین آن خواهد شد . در حال حاضر در بعضی از روستاهای خواف از وجود آسیاهای بادی استفاده میکنند در حالیکه از چندین آسیای کنار هم شاید فقط یکی دو عدد آنها کار میکنند و بقیه تنها یادآور روزگار بادی بهره‌دهی میباشد و زنده‌کننده تأثیری عمیق از انهدام آنها که نشانه لطف طبیعت و توجه و بهره‌برداری بموقع بشر بوده است .

موقعیت جغرافیایی خواف :

بخشی است در جنوب شرقی مشهد ، فاصله آن از تایباد که در شرق آن قرار دارد ۶۵ کیلومتر و تا تربت حیدریه که در سمت غربی آن واقع است ۱۲۲ کیلومتر و از جنوب غربی به قاین و از شمال شرقی به تربت جام محدود است .

بخش خواف و روستاهای اطراف آن از قدیمترین ایام از وجود این آسیاها استفاده میکرده است ، و همانطور که قبلاً ذکر شد ، بواقع کسی نمیداند که پایه‌های اولیه این نوع آسیاهای بادی از چه زمانی شروع شده است ، قرن‌ها پیش از آنها استفاده میشده و این شیوه طی سالیان دراز همچنان مورد استفاده بوده است و هیچگونه تغییر یا تحولی در ساختمان اساسی آنها داده نشده است ولی متأسفانه همانطور که ذکر شد ماشین بر روی این شیوه سنتی بی‌اثر نبوده و آنها را به نابودی کشانده است ، در بسیاری

از روستاهای بخش خواف کم‌وبیش آسیای بادی وجود دارد که از آنجمله میتوان یاد کرد :

الف : خواف - دارای ۲۲ آسیای بادی در دو ردیف ۱۱ تائی ، که زمانی همه آنها کار میکرده است ولی در حال حاضر فقط ۳ عدد آنها قابل استفاده‌اند که البته بصورت مدام از آنها بهره‌برداری نمیشود .

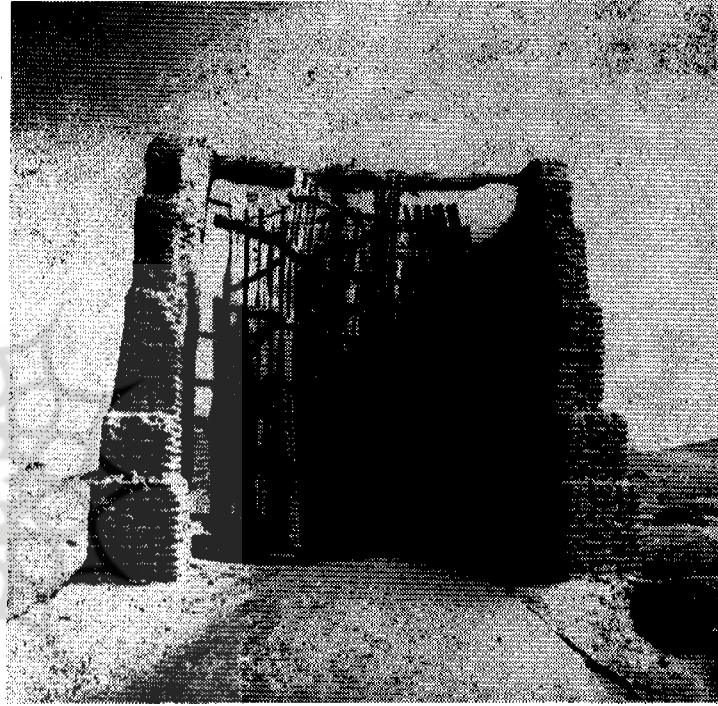
ص : تیزاب : در ۶ کیلومتری جنوب خواف ، دارای چندین آسیای بادی بوده ، که اکثر آنها در حال حاضر از کار افتاده‌اند .

ط : مهرآباد - در ۱۰ کیلومتری جنوب خواف ، دارای چندین آسیای بادی بوده ، که اکثر آنها در حال حاضر از کار افتاده‌اند .

ل : شنگان^۱ - در ۲۲ کیلومتری

هستند و تعداد آنها نسبتاً زیاد بوده است ولسی شرایط زمان استفاده از آنها را بفراموشی سپرده است .

منطقه خواف اصولاً منطقه‌ای بادخیز است و از سه سمت ، شمال ، جنوب ، شرق ، مسیر بادهای گوناگون میباشد و بدیهی است که از وجود اینگونه آسیاها فقط در مناطقی میشود بهره‌برداری نمود که بادخیز بوده و قدرت باد بحدی باشد



عکسی از وضعیت پُره‌ها و نمائی از قسمت بیرونی آسیا عکسی از وضعیت آسیاهای بادی در بخش خواف

جنوب خواف ، دارای چندین آسیای بادی بوده ، که اکثر آنها در حال حاضر از کار افتاده‌اند .

م : نیشتیفان - در ۱۸ کیلومتری جنوب خواف ، دارای چندین آسیای بادی بوده ، که اکثر آنها در حال حاضر از کار افتاده‌اند .

آنچه مسلم است ، ایست که بجز روستاهای ذکر شده بسیاری دیگر از روستاهای اطراف دارای چنین آسیاهائی

ب : خرگرد^۲ - در ۴ کیلومتری جنوب خواف دارای ۱۳ واحد آسیا که فعلاً ۲ یا ۳ واحد آنها کار میکنند .

ج : لاج - در ۲ کیلومتری مغرب خواف دارای ۳ واحد آسیا که فقط یکی از آنها کار میکند .

د : برآباد - در ۲۰ کیلومتری جنوب خواف دارای ۱۸ آسیای بادی که خوشبختانه بجز ۲ عدد ، بقیه مورد بهره‌برداری قرار میگیرد .

که بتواند آسیاهای سنگین و عظیم را بچرخش دریاورد ، ولی آن نیز کافی نبوده ، بلکه میبایست باد بصورت مداوم بوزد . خوشبختانه وزش بادهای این منطقه زمانی شروع میشود که محصول گندم دست داده و آماده آرد شدن است ، بادهائی که از این منطقه میوزد عبارتند از :

الف : باد نیشابور (باد شمال) - که از سمت نیشابور باین منطقه جریان

اشکالی نگرند و مفاهیم برایشان مجهول نباشد .

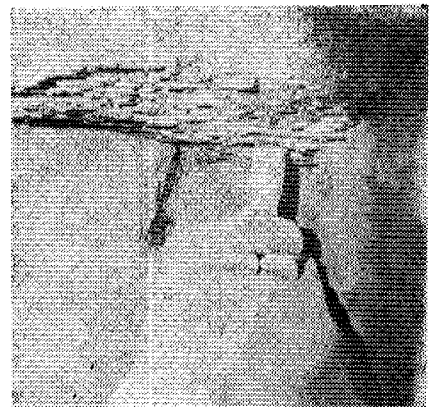
۱ : پُل - Pol - عبارتست از چوبهائی که با زدن شاخ و برگ آن حالت درختی خود را از دست میدهند و بصورت الوار درمیآیند .

۲ : سَرپُل - خرپُل - Sar-Pol عبارتست از تیرچوبی بصورت تخت با عرض تقریبی ۴۵ سانتیمتر و طول ۴ متر و ضخامت ۳۰ سانتیمتر بصورت یکپارچه و تخت که از دو طرف به دیوارهای آسیا تکیه دارد و در قسمت وسط با محور چوبی آسیا متصل است و عمل کرد آن جلوگیری از حرکات جانبی «تیرپل» میشود .

۳ : تیرپُل - Tir-pol - با طول ۸ متر و قطر ۳۵ و با محیط ۱۰۱ سانتیمتر بصورت مدور ساخته میشود ، قطر تیرپل در قسمت بالا و پایین یکسان است و چون یافتن درختی با چنین ابعادی

چندانی ندارد .
ج : باد کوه : که از سمت شرق باین منطقه میوزد و همان بادی است که مشهور به باد ۱۲۰ روزه سیستان است ، و بقول اهالی این منطقه زمان شروع باد کوه از اواسط فصل بهار است . و تا اوایل پائیز ادامه دارد ، و با قدرتی بسیار زیاد و مداوم و شبانه روزی میوزد و این تنها بادی است که میتواند آسیاها را با سرعتی بسیار بچرخش درآورد و مردم میتوانند تمامی گندمهای خود را آرد نمایند ، وجه تسمیه این باد بخاطر وزیدن آن از سمت کوههائی است که در شرق این منطقه واقع است .

قبل از اینکه عمل کرد آسیا و قسمتهای مختلف آن را توضیح دهم ، لازم میدانم قبلاً راجع به مفاهیم لغات و اصطلاحاتی که مردم محلی در مورد آسیا بکار میبرند شرحی مختصر دهم ، تا خوانندگان عزیز ، هنگام مطالعه دچار



طرز قرار گرفتن چوب موشنه (مُشته) بر روی مش تخت را نشان می دهد - از قسمت زیرین سنگ آسیا

یکی از کشاورزان در حال کوبیدن کاجره (گندم از پوست خارج نشده) بوسیله کاجرکوب در مقابل در بچه باد



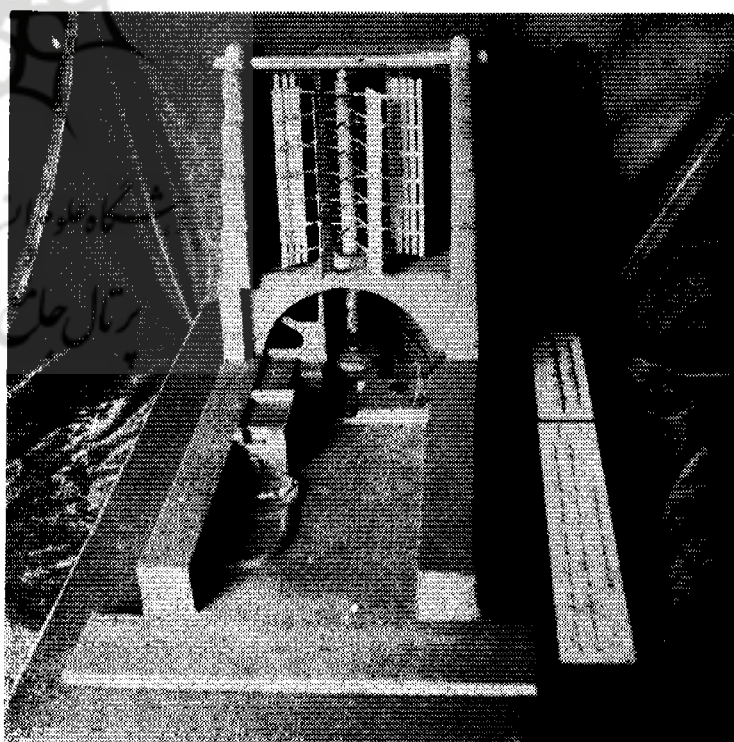
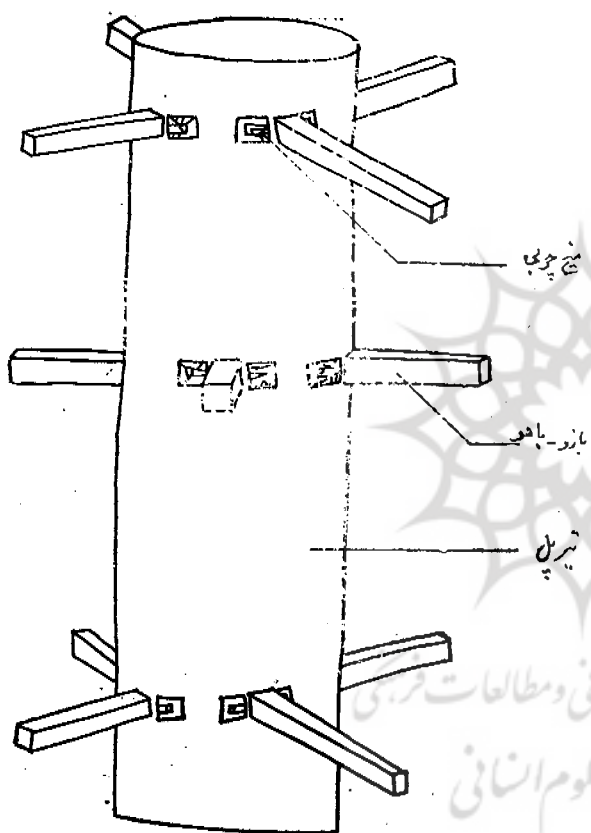
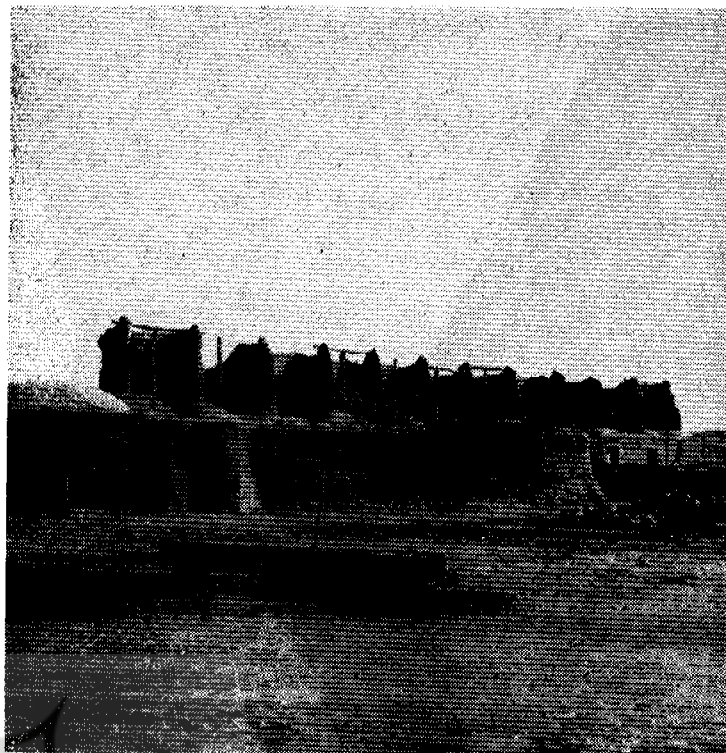
دارد که قدرت زیادی برای حرس و چرخش آسیاها ندارد و از طرفی بصورت مداوم نمیوزد ، و از طرف دیگر باید متذکر شد که موقعیت ساختمانی آسیاها طوری است که در بچه ورود باد از سمت شرق تعبیه شده ، باد نیشابور را در شهر نیشابور بنام باد سبزوار و در سبزوار آن را بنام باد چّه چّه مینامند .

ب : باد هرات یا فره فراه (باد جنوب) - که از منطقه جنوب جریان دارد و آن نیز مداوم نبوده و قدرت

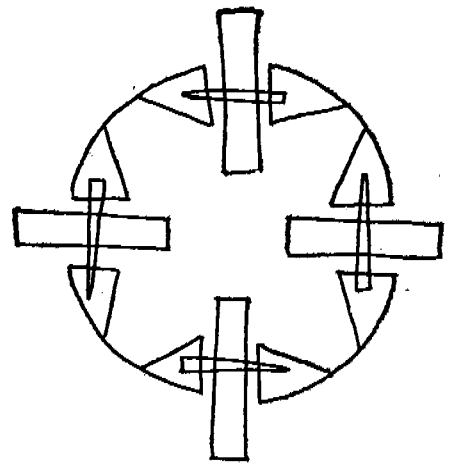
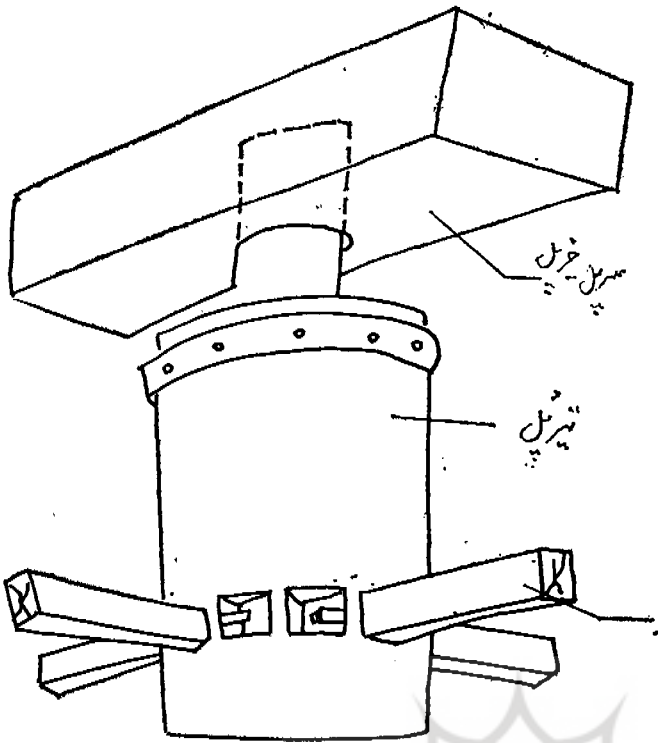
عکسی از پره ها و وضع قرار گرفتن ، پره ها ، پشینیان ، بازوها و خرپل و سره پل



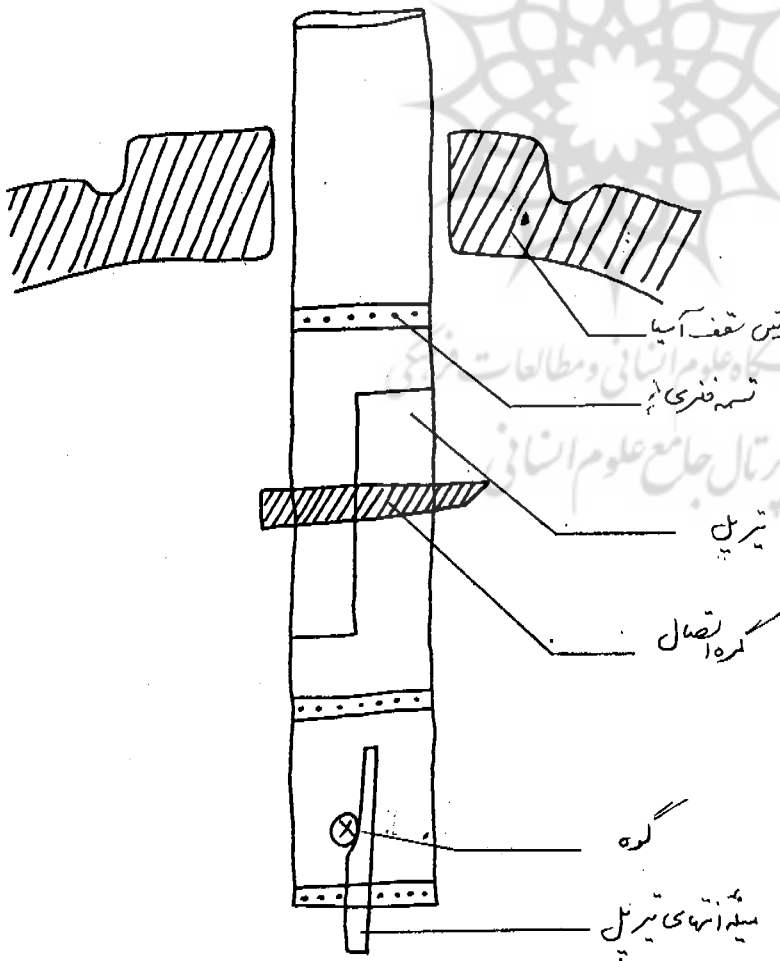
تعدادی از آسیاهای بادی بخش
خواف که تمامی آنها بجز یکی
یا دو عدد از کار افتاده و فراموش
شده است



عکسی از جزئیات ماکت آسیای بادی، که توسط
آقای داریوش اعظم، مهندس معماری داخلی
با همکاری دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار
باستانی ایران در خراسان ساخته شده است



تقطع تیرپل



امکان ندارد ، از این نظر از سه قسمت تشکیل شده که بهنگام ساختن ، آن را در محل اتصال بهم بصورت نر و ماده یا قفل و بست در آورده اند و گوه اتصالی از وسط آن عبور داده تا باینوسیله مانع حرکات جانبی و احتمالاً در رفتگی ناشی از فشار حاصله از باد شود ، جنس چوب تیرپل و خریل از چوب کاج است که مردم بومی از آن بعنوان «ناجو» نام میبرند .

۴ : بازو - باهو : چوبهائی هستند بطول ۱۷۵ سانتیمتر و بقطر و عرض ۷ سانتیمتر که سر آن به «پرها» و انتهایش به تیرپل متصل است و در حقیقت رابط بین تیرپل و «پرها» است و نیروی چرخش پرها ناشی از باد را به تیرپل منتقل نموده و باعث چرخش تیرپل میگردد ، هر پره دارای ۶ تا ۷ بازو است ، برای توضیح بیشتر اینکه طرز کار گذاشتن بازوها در محل اتصال به تیرپل طوری کار شده که هم مانع شکستن تیرپل

میشود وهم استحکام و مقاومت بیشتر تیرپل را فراهم میسازد.

۵ : پَر : چوبهائی با عرض ۱۴ وضخامت ۱ سانتیمتر (علت کم بودن ضخامت پره‌ها بی‌علت نبوده و منظور سبک نمودن پره‌ها بوده که در اثر وزش باد تابستانی بچرخش درآید) و طول تقریبی ۶ متر، تعداد پره‌ها در هر پَره ۴ یا ۵ عدد است، عرض پره‌ها باندازه دریچه ورودی باد میباشد.

۶ : پشتیبان : چوبهائی بطول ۷۴ و عرض ۶ و قطر ۱ سانتیمتر که بوسیله میخ، درست در پشت محل اتصال بازوها به پره‌ها کوبیده میشده و هدف اتصال و استحکام بیشتر بجهت جدا نشدن بازوها از پره‌ها بوده است.

۷ : چوب دوشاخ : چوبی با ارتفاع ۱۴۰ سانتیمتر و قطر ۷ تا ۱۰ سانتیمتر که انتهای آن بصورت دوشاخه است، عمل کرد این چوب هنگامی است

که بخواهند آسیا را متوقف سازند.

۸ : نی باد، عبارتست از نی‌های بافته شده بهم همچون حصیر که عمل کرد آن هنگامیست که بخواهند آسیا را متوقف سازند.

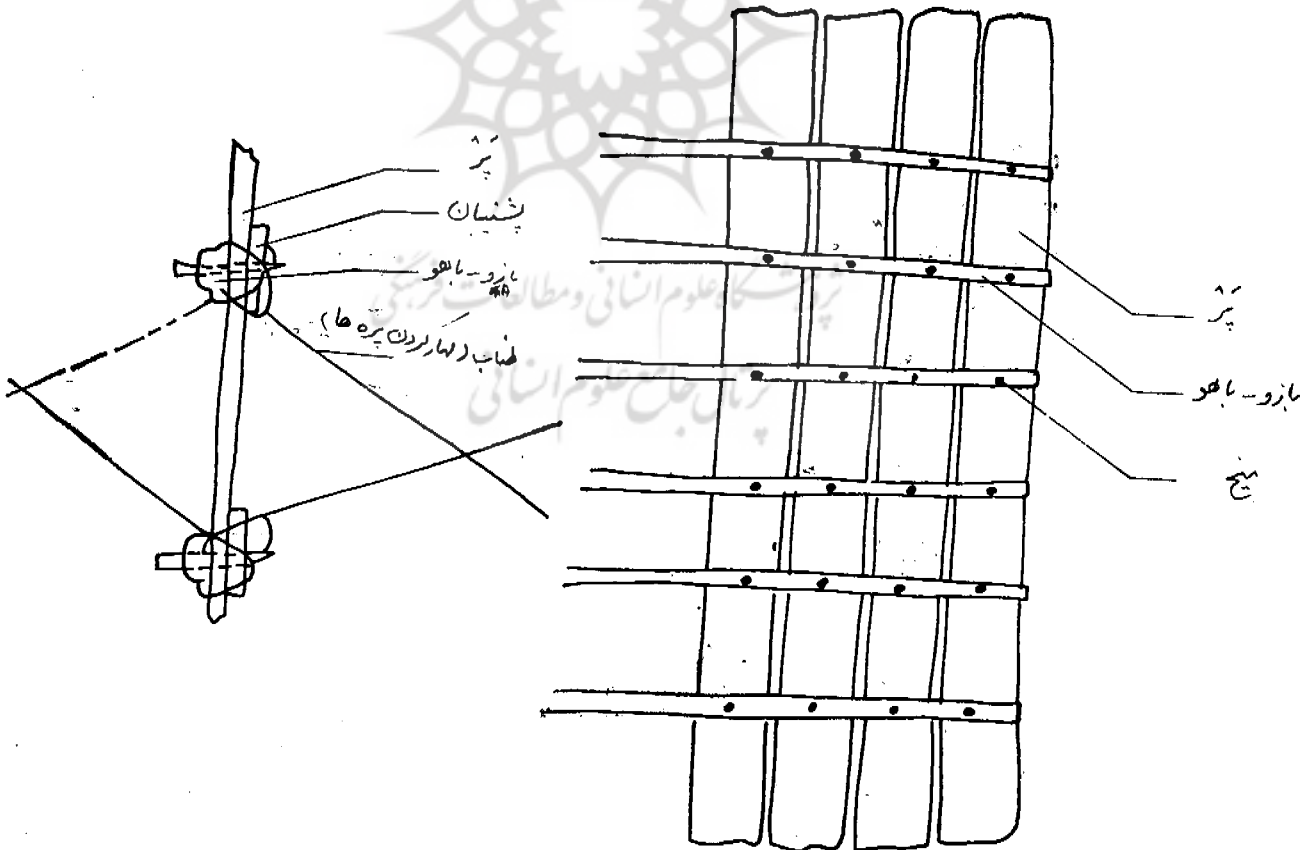
۹ : درگاه : فواصل بین پره‌ها را گویند، و فواصل آن ۶۲ سانتیمتر میباشد، و برای اینکه پره‌ها در اثر وزش شدید باد احتمالاً واژگون نشود بوسیله سیم یا طناب بصورت ضربدر آنها را مهار و بهم اتصال میدهند.

۱۰ : پَرخو گندم - پَرخو نمک : Parkho سدر داخل آسیا و در کنار سنگهای آن محلی تعبیه شده که از دو قسمت تشکیل شده است : قسمت بالامخزن گندم و قسمت پائین محل ریختن نمک میباشد که بوسیله دریچه‌ای از طریق ناودان به گلوگاه سنگ آسیا وارد میشوند.

۱۱ - توره : فلزی شبیه به دم

چلچله یا پایون با ۳۶ تا ۵۰ سانتی‌متر طول، عرض آن در باریکترین قسمت (که وسط توره است) ۶ تا ۷ سانتیمتر و در پهن‌ترین آن ۱۰ تا ۱۲ سانتیمتر، و قطر آن در باریکترین قسمت ۲ سانتیمتر و در پهن‌ترین آن ۱۲ سانتیمتر میباشد، و میله‌ای قطور و فلزی که در انتهای تیرپل تعبیه شده و انتهایش بصورت دوشاخه‌است و درست در وسط توره قرار میگیرد که با چرخش تیرپل و میله انتهائیش، باعث چرخش توره و بالتبینه باعث گردش سنگ روئی آسیا میشود.

۱۲ - ناودان : چوبی است با قطر ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر بطول ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر (که البته طول ناودان چندان اهمیتی ندارد چرا که با تعبیه نمودن پَرخو نمک و پَرخو گندم با اندکی عقب و جلو، طول ناودان کم یا زیاد می‌شود) که داخل آن را گود نموده‌اند که سر ناودان در داخل پَرخو نمک و پَرخو



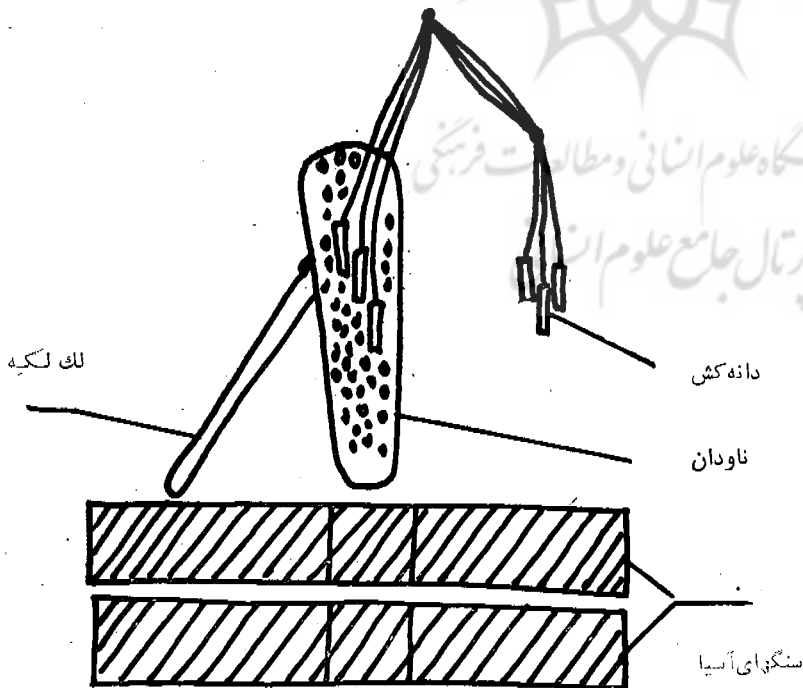
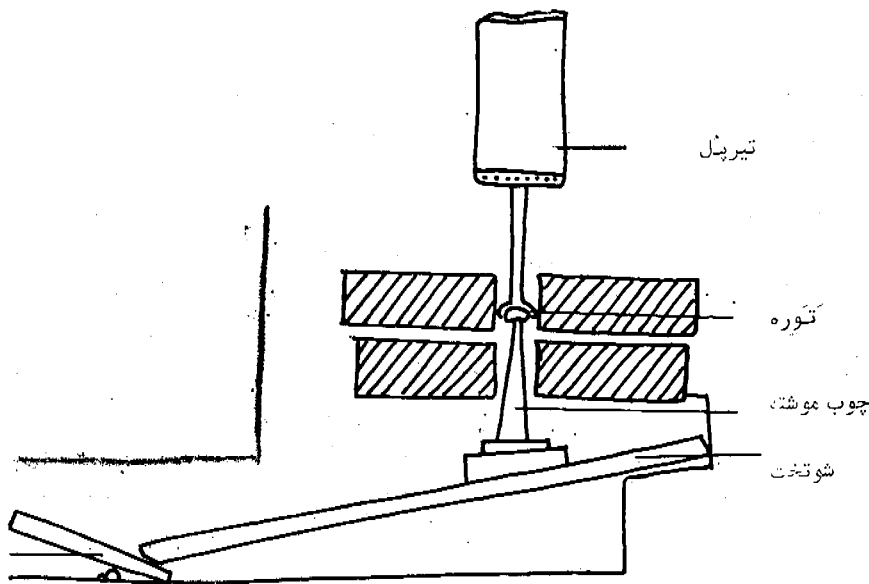
گندم و سردیگر آن بصورت مایل و شیب‌دار که گندم و نمک را به گلوگاه آسیا هدایت میکند .

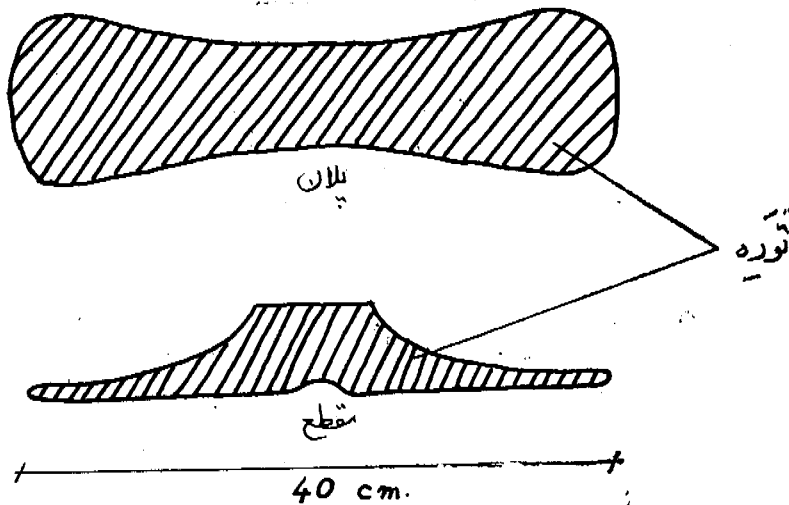
۱۳ - لك لکيه - Lak-Lake
چوبی است بطول ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر با قطر ۵ الی ۶ سانتیمتر که یک‌سر آن به ناودان بسته شده و سردیگر آن بصورت آزاد بر روی سنگ آسیا قرار دارد .

۱۴ - دانه کیش : چوبهائی با قطر ۲ سانتیمتر و با طول ۱۰ الی ۱۲ سانتیمتر که با آنها نخ‌بسته شده و توسط میخی در نزدیکی ناودان بدیوار کوبیده شده‌اند . زمانیکه بخواهند از ورود بیشتر گندم از طریق ناودان بداخل گلوگاه سنگ جلوگیری نمایند ، با قرار دادن چند دانه کیش در ناودان مانع ورود بیشتر گندم به داخل گلوگاه میشوند یا بعبارت دیگر مانعی است در مقابل جریان گندم به گلوگاه سنگ آسیا .

۱۵ - چوب موشته - چوبی محکم و مخروطی شکل از چوب «سرون» Saron و «ینوش» Benosh که اسامی محلی دو درخت است، ارتفاع چوب موشته ۴۰ الی ۵۰ سانتیمتر است و قطر آن در باریکترین قسمت آن ۳ تا ۴ سانتیمتر و در پهن‌ترین آن ۱۳ تا ۱۵ سانتیمتر میباشد ، انتهای چوب موشته بر روی قطعه چوب مکعبی شکلی که وسط آن را با اندازه تکیه‌گاه چوب موشته گود نموده‌اند قرار دارد ، تا بدینوسیله از حرکات جانبی یا در رفتگی چوب موشته جلوگیری نمایند . بر زیر چوب مذکور ، قطعه چوب مکعبی دیگری که دارای سطح اتکاء بیشتری است قرار داده‌اند تا عدم حرکت چوب موشته را تضمین نموده باشند ، که همگی بر روی شو تخت تکیه دارد ، و ابتدای آن از قسمت ریزش سنگ آسیا گذشته و به وسط توره (که دارای فرورفتگی که بهمین منظور تعبیه شده است) متصل است .

۱۶ - شو تخت - (ش تخت) : در حقیقت تکیه‌گاهی چوبی است با طول





شعاع) سنگ را مشخص میکنند و سپس باندازه ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر دور آن را خط مینمایند و بعد با وسایل خاصی که مخصوص اینکار در اختیار دارند با زحمات فراوان دور آن را گود مینمایند و پس از اتمام آن با کمک چندین نفر از چند طرف بوسیله دیلم و ابزار دیگر آن را از روی صخره جدا میسازند که مستلزم چندین روز کار سخت و مداوم است. پس از جدا نمودن سنگها به جدا نمودن قسمتهای اضافی آن و پس از آن پرداخت آن میپردازند و پس از اتمام کار آنرا به نقطه مورد نظر حمل و در محل سوار می کنند و چون سنگهای پرداخت شده آنطور که باید و شاید صاف نیستند و برای آرد گندم مناسب نیست، از این نظر برای مرتفع نمودن این اشکال، با بکار انداختن آسیا و ریختن شن و خورده سنگ در داخل سنگ و آسیا شدن، تا حدودی سطح زیرین سنگ صاف میشود، این عمل را چندین بار تکرار میکنند، ولی هنوز سنگها آماده بهره برداری نیستند و برای پرداخت بیشتر، اینبار از «جو» استفاده میکنند و پس از آن از ارزن استفاده میشود، این سلسله مراتب چندین بار متوالی صورت میپذیرد تا بالاخره سنگهای آسیا برای آرد نمودن گندم کاملاً مناسب شود و

شاید همان درخت «سرو» و «زبان گنجشک» باشد.

تهیه سنگهای آسیا:

سنگهای آسیا در منطقه خواف را از منطقه ای صخره ای نزدیک قلعه نیشتمان که در ۱۸ کیلومتری جنوب خواف قرار دارد تهیه میکنند، وعده ای متخصص فن در این محل سکونت دارند و کارشان فقط تهیه سنگهای آسیا است. اصولاً سنگهای آسیا را بسته به کارکرد آنها تعویض مینمایند و زمانیکه ضخامت سنگهای آسیا به ۱۰ الی ۱۵ سانتیمتر برسد، موقع تعویض آن فرا رسیده است قطر سنگهای آسیا حدود ۳۵ تا ۴۰ سانتیمتر است ولی بیشتر اوقات ضخامت سنگ زیرین اندکی بیشتر است و علت آن بخاطر عدم تعویض آن است، چراکه سنگ زیرین بعلت عدم تحرك و چرخش، فرسایش کمتری دارد و بنابراین عمر آن خیلی بیشتر از سنگ روئی میباشد. سنگ روئی آسیا همانطور که ذکر شد بنا به کارکرد آن و نازک شدنش تعویض میشود ولی اصولاً آنها را حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ سال پس از شروع کار تعویض مینمایند.

برای تهیه سنگهای آسیا، استادکاران قسمتی از صخره را که صاف و بی رگه باشد، انتخاب نموده و قطر (دو برابر

تقریبی ۲ متر و عرض ۳۰ سانتیمتر و بقطر ۴ سانتیمتر که سر آن در داخل فرورفتگی زیر سنگ زیرین آسیا که بهمین منظور تعبیه شده قرار دارد و انتهایش بر روی اهرم چوبی متکی است. ۱۷ - ورکش (تلم) - اهرمی چوبی است، که شوتخت بر روی آن قرار دارد و با قرار دادن چوبی در زیر آن حالت اهرمی را بوجود می آورد. ۱۸ - آغاز چوبی - در حقیقت همان «گاز» چوبی است.

۱۹ - درباد - کانالی است بطول و عرض ۵۰×۵۰ که از پشت آسیا در مسیر باد تعبیه شده است، این کانال تا داخل آسیا تا مکانی که بخواهند گندم را از پوسته خود جدا سازند ادامه می یابد.

۲۰ - شش درگلو - اصطلاحی است که اهالی در مورد قطر (دو برابر شعاع) سنگ آسیا بکار میبرند، مثلاً اگر کسی بپرسد که قطر آن چقدر است میگویند «شش درگلو» است یعنی اهر دو طرف تا گلوگاه، شش و جب است. ۲۱ - آجینه - همان تیشه است، البته تیشه مخصوصی که بوسیله آن سنگ آسیا را پس از جدا نمودن از کوه پرداخت میکنند.

۲۲ - کاجره (گاه جره) - عبارتست از گندمی که هنوز از پوست جدا نشده است.

۲۳ - کاجره کوب - وسیله ای چوبی شبیه به گوشتکوب در اندازه ای بزرگتر برای کوبیدن گندمی که هنوز از پوست خارج نشده باشد.

۲۴ - ناجو - همان درخت کاج است که اهالی آن را «ناجو» مینامند، جنس تیرپل و سرپل از همین درخت است.

۲۵ - سرون Saron - ینوش Benosh - نام دو درخت بنام های محلی که دارای استحکام بیشتری است، و چوب موشته از همین دو درخت ساخته میشود،

مورد بهره‌برداری قرار گیرد .
متأسفانه امروزه بعثت آنکه از این آسیاها آنطور که میبایست استفاده نمیشود و همانطور که قبلاً ذکر شد در بیشتر روستاها آسیاهای ماشینی جای آسیاهای بادی را گرفته و از طرفی چون تهیه این سنگها مستلزم هزینه و وقت زیادی میباید و فقط ۵ ماه از سال راهم بیشتر نمیشود از وجود آسیاها استفاده نمایند ، و با فراموش شدن آسیاهای بادی و بالنتیجه عدم مراجعه صاحبان آسیاها برای تهیه سنگ ، استادکاران نیز از حرفه دست کشیده و بکارهای دیگر اشتغال دارند .

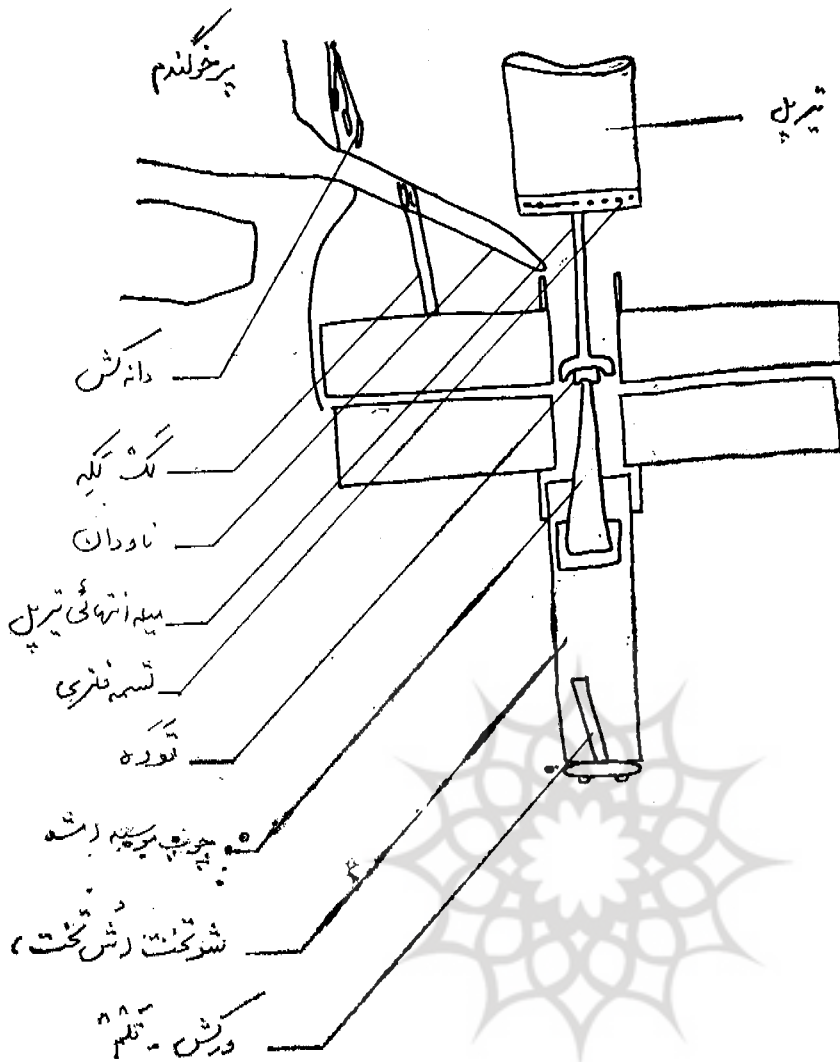
همانطور که قبلاً گفته شد ، موقع بهره‌دهی این آسیاها حدود ۵ ماه از سال و خوشبختانه پس از بازدهی محصول شروع میشود و بدیهی است که بقیه اوقات سال با گذشتن بی‌باد و مهار کردن پرها توسط چوب دوشاخ در حقیقت آنها را تا سال آینده متوقف میکنند ، اصولاً آسیاهای بادی بصورت مجزا ساخته نمیشود ، بعبارت دیگر تمامی آسیاهای یک روستا در یک محل و در کنار یکدیگر با یک طول و عرض و ارتفاع و یا یک سیستم ساخته میشود ، اول بخاطر اینکه بادهای قوی چون بادکوه نتواند آن را منهدم سازد و بهمین خاطر آنها را در کنار یکدیگر میسازند که در حقیقت یک سطح وسیعی بوجود آورده و یکپارچگی و مقاومت آن را بیشتر کرده‌اند ، دوم بخاطر اینکه مرکزیت داشته باشد و در حقیقت محلی است که کشاورزان در آنجا پس از بازدهی محصول جمع میشوند و باینوسیله اجتماع کوچکی را برای دادوستد و فروش گندم و آرد بوجود می‌آورند .

وقتی زمان آرد نمودن گندم‌ها فرا میرسد و بادکوه (که همان باد ۲۰ روزه سیستان است که در این منطقه به بادکوه مشهور است) شروع میشود ، کشاورزان گندمهایی را که آماده نموده‌اند ، بنوبت

یا برطبق ضوابط محلی به آسیا می‌آورند و چون مقداری از گندمها هنوز از پوسته خود خارج نشده است ، در محلی که در مقابل دریاچه «درباد» بمنظور کوبیدن آنها با «کاجرکوب» بجهت جدا نمودن گندم از پوسته تعبیه شده است میریزند و شروع به کوبیدن آن میکنند و آنقدر اینکار را ادامه میدهند که تقریباً گندمها از پوست خود جدا شوند ، سپس گندم‌ها را در داخل سرندهی نسبتاً بزرگ که بهمین منظور تهیه شده میریزند و دریاچه درباد را بازمینمایند و باینوسیله جریان باد را بداخل آسیا هدایت میکنند و با تکان دادن سرنده و بالا ریختن گندم با طریقه خاصی پوسته‌ها بخاطر سبک بودنشان بعثت وزش بادی که از دریاچه درباد جریان دارد از گندمها جدا شده و به قسمت دیگری ریخته میشود و احتمالاً سنگهایی که ممکن است در گندم وجود داشته باشد از سرنده گذشته و در پایین جمع میشود و با این وسیله که ساده‌ترین روش جداسازی گندم از مواد اضافی است پاکسازی آن صورت میپذیرد .

پس از اتمام کار ، دریاچهی باد را مسدود میکنند و بعداز آماده شدن گندم‌ها موقع آردشدن آنها فرا میرسد مقداری از گندم‌ها را در محلی بنام پرخو گندم جای میدهند و با ریختن نمک در پرخو نمک که از یکدیگر جدا هستند ، در حقیقت قدم اول برای شروع آردنمودن برداشته شده است ، حال ، با برداشتن بی‌باد که مانع ورود باد را برای چرخش پره‌های آسیا و همچنین چوبهای دوشاخ که عامل مهار نمودن پرها میباید ، عملاً کار آسیا شروع میشود و با چرخش آن تیرپل و میله انتهایی آن که به «توره» که آن نیز قبلاً از قسمت زیرین در سنگ روئی آسیا جاسازی شده‌است بچرخش در می‌آید و با چرخش آن «لک لکه» که یک سر آن بصورت آزاد بر روی سنگ آسیا قرار دارد و یک سر دیگر بوسیله نخ به ناودان بسته شده بحرکت در آمده و

لرزش پیدا میکند ، لازم به تذکر است که قسمت بالائی سنگ روئی آسیا را عمداً ناصاف میسازند تا لرزش «لک لکه» به تشدید شود ، این لرزش را «لک لکه» به ناودان منتقل کرده و لرزش ناودان باعث سرازیر شدن گندم از پرخو به ناودان و ریخته شدن آن در گلوگاه سنگ و آرد شدنش میشود . گاهی مواقع پیش‌می‌آید که در اثر لرزش زیاد ناودان ناشی از لرزش «لک لکه» گندم بمقدار زیادی وارد ناودان و گلوگاه آسیا میشود و بالنتیجه گلوگاه پر میگردد و گندم از آن سرازیر شده و باطراف پراکنده میشود ، برای اینکه از این بابت جلوگیری نمایند از وجود دانه‌کش که یک سر آن بوسیله نخ بادیوار نزدیک ناودان بسته شده است استفاده میکنند ، باین معنی که بنا بر احتیاج یک یا دو عدد دانه‌کش در داخل ناودان قرار می‌دهند که باعث کند شدن جریان گندم از پرخو به گلوگاه می‌شود . البته این وضع بستگی خاص با شدت جریان باد و چرخش پره‌های آسیا دارد . چرا که اگر چرخش پره‌های آسیا کند بوده و مقدار گندمی که از پرخو به گلوگاه ریخته میشود بیش از ظرفیت باشد بدیهی است که مقدار اضافی گندم مازاد بر خوردن و ظرفیت سنگ آسیاست که در گلوگاه جمع و پراکنده میشود و هر قدر تحرك سنگ آسیا ناشی از چرخش پرها و وزش باد بیشتر باشد روشن است که گندم بیشتری آرد میشود ، از این نظر «دانه‌کش‌ها» را از ناودان برمی‌دارند و باعث ورود بیشتر گندم به گلوگاه میشوند و بهمین صورت با کم وزیاد شدن شدت جریان باد و چرخش پره آسیا تعداد دانه‌کش‌ها را در ناودان کم و زیاد میکنند . گاهی مواقع پیش‌می‌آید که گندم کاملاً آرد نشده و تقریباً درشت است و این زمان نیست که فاصله سنگها از یکدیگر زیاد است ، توضیح اینکه سنگ روئی آسیا که متحرك است از قسمت زیرین با فشار آوردن به «ورکش (تلم)» باعث



بالا آمدن «شوتخت» (ش تخت) و چوب موشته میشود و بالنتیجه باعث بالا رفتن سنگ روئی آسیا میگردد، باپائین آوردن «چوب موشته» حد طبیعی مابین سنگها را حفظ نموده و باینوسیله مانع درشت شدن گندمها هنگام آردشدن میشود، گندمهای آرد شده را در آردخانه نگهداری میکنند، در گوشه دیگر ترازوئی قرار دارد که برای خرید و فروش گندم از آن استفاده میکنند.

آسیاها مدام در تمام ۲۴ ساعت تسا زمانیکه گندم برای آرد شدن باشد کار میکند و آسیابان نیز تمام اوقات حتی شبها را در آسیا بسر میبرد، بگفته آسیابان یکی از آسیاها بطور متوسط مقدار آرد گندم بوسیله آسیا در هر ساعت ۴ من آرد میباشد. (هرمن در منطقه خواف ۲۵ کیلو است) پس از اتمام کار و آرد شدن تمامی گندمها، زمان آن میرسد که آسیا را از کار بیاندازند، برای ازکار انداختن آسیا از طرق زیر استفاده میشود.

الف: بوسیله «نی باد» که با گذاشتن آن در مقابل دریچه ورودی باد، مانع ورود باد و چرخش پره های آسیا میشود.
 ب: بوسیله پائین آوردن چوب موشته سنگ روئی آسیا با وزن تیرپل و پره های آسیا بر سنگ زیرین منتقل شده و در حقیقت ترمزی برای توقف آسیا میباشد.

ج: بوسیله چوب دوشاخ که با قرار دادن دوشاخه آن در داخل پره و تکیه دادن انتهای آن بدیواره بیرونی آسیا، پره ها را مهار میکنند و باینوسیله توقف کامل پره ها را فراهم میسازند.

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی